



رکن چهارم

بررسی مطبوعات آزاد افغانستان در دهه قانون اساسی (۵۲ - ۱۳۴۳)

لوئیس دوپری

برگردان: علی احمد راسخ

فرهنگی) تقسیم کرد و سیاست نشریه را در عبارات نامشابه با الگوهای معمول ادبیات مدرن افغانستان به چاپ سپرد. یکی از دوستان ایرانی من که در آن زمان از کابل دیدن کرده بیشتر مطالب نشریه خلق را همسان با نشریات حزب توده یافت و یک دوست افغانی، مشابه تبلیغات روس‌ها، همانند نشریات فارسی تاجیکی در تاجیکستان شوروی.

نشریات آزاد در افغانستان ۱۹۶۵-۷۲

نشریه / صاحب امتیاز / مدیر مسؤول / زبان / آغاز نشر / تاریخ تعطیل / دلایل تعطیلی و ملاحظات
 ○ وحدت (هفتگی) / مولانا خسته / مولانا خسته / دری - پشتو / ۳۱ ژانویه ۱۹۶۶ / ۲۰ ژوئن ۱۹۶۶ / مشکلات مالی. حمایت‌گر اصلی نشریه خلیل‌الله خلیلی. سفير افغانستان در عربستان سعودی.
 ○ پیام امروز (هفتگی) / غلام‌نبی خاطر / ۱ - عبدالرؤف ترکمنی / ۲ - محمدطاهر محسنی / دری / ۹ فوریه ۱۹۶۶ / ۲۵ مه ۱۹۶۶ / مخالف دولت. کناره‌گیری مدیر مسؤول.
 ○ افغان ملت* (هفتگی) / ۲ / انجنیر غلام‌محمد فرهاد / قدرت‌الله حداد - حبیب‌الله رفیع - قدرت‌الله حداد / دری - پشتو / ۵ آوریل ۱۹۶۶ / ۱۲ مه ۱۹۶۷ / ارگان جمعیت سوسیال دموکرات؛ نامیونالیستهای افراطی طرفدار «پشتونستان». نخستین بار به خاطر نوشتن مقاله در مورد دخالت CIA توقیف گردید. تاکنون [زمان تألیف کتاب] گهگاهی تعطیل شده است.
 ○ خلق (هفتگی) / نورمحمد تره‌کی / بارق شفیعی / دری - پشتو / ۱۱ آوریل ۱۹۶۶ / ۱۶ مه ۱۹۶۶ / ارگان چپ (طرفدار مسکو) جمعیت دموکراتیک خلق (پرچم). به سفارش پارلمان تعطیل شد؛ متهم به داشتن گرایش‌های ضداسلامی و قانون اساسی و یا مشروطیت.
 ○ مردم (هفتگی) / سیدمقدس نگاه / غلام محی‌الدین نفویض / دری - پشتو / ۱۱ مه ۱۹۶۶ / ۱۵ ژوئن ۱۹۶۶ / برای مبارزه با خلق بنیاد گذاشته شد؛ بعد از ممنوعیت نشریه خلق داوطلبانه بساط خود را جمع کرد.
 ○ مساوات* (هفتگی) / ۱ / عبدالشکور رشاد - ۲ / محمد شریف ایوبی / ۱ / محمد رحیم الهام - ۲ / عبدالغنی میوندی / دری - پشتو / ۲۴ ژوئن ۱۹۶۶ / ۲۶ دسامبر ۱۹۶۶ / ارگان جمعیت دموکراتیک مشرقی (حزب دموکراتیک مشرقی نخست‌وزیر سابق، محمدکاشم میوندوال) - پیش از ۱۳ اکتبر ۱۹۷۱ به مدت ۱۸ ماه ممنوع‌الانتشار شد. مدافع سوسیالیسم تکاملی و دموکراسی پارلمانی

○ پیام وجدان (هفتگی) / عبدالرؤف ترکمنی / عبدالرؤف ترکمنی / دری - پشتو / ۲۲ جولای ۱۹۶۶ / - / مدافع حقوق اقلیت‌های غیرپشتون.
 ○ پرچم (هفتگی) / سلیمان لاین / سلیمان لاین - میراکبر خیبر / دری - پشتو / ۱۲ مارس ۱۹۶۸ / ۱۵ جولای ۱۹۶۹ / جان‌نشین خلق گردید تا این‌که طی انتخابات ۱۹۶۹ ممنوع شد. جناح انقلابی‌تر حزب دموکراتیک خلق معروف به جمعیت دموکراتیک خلق افغانستان.
 ○ صدای عوام (هفتگی) / دکتر عبدالکریم فرزاد / محمدعارف حنیفی / دری - پشتو / ۲۷ مارس ۱۹۶۸ / ۲۰ ژوئن ۱۹۶۸ / کناره‌گیری مدیر مسؤول؛ مخالف دولت. ارگان جمعیت عوام (حزب مردم) متمایل به چپ‌گرایی اسلامی - گاندیسیم.
 ○ شعله جاوید (هفتگی) / دکتر رحیم محمودی / دکتر رحیم محمودی / با دستپارگی برادرش دکتر هادی محمودی / دری - پشتو / ۲ آوریل ۱۹۶۸ / ۱۰ جولای ۱۹۶۹ / ارگان جمعیت دموکراتیک نوین - حزب دموکراتیک نوین؛ دو دسته سیاسی وجود دارد. انقلابی‌تر (طرفدار پکن) از شاخه دیگر حزب دموکراتیک خلق. همانند نشریه پرچم طی انتخابات ۱۹۶۹ تعطیل شد.
 ○ ترجمان* (هفتگی) / پرفسور دکتر رحیم نوین / علی اصغر شیب / دری - پشتو / ۴ آوریل ۱۹۶۸ / ۱۰ جولای ۱۹۶۹ / نشریه مستقل طنزآمیز با کارتهای سیاسی.
 ○ صبا* (هفتگی - روزانه - هفته‌ای دوبار - پراکنده) / غلام‌نبی خاطر / غلام‌نبی خاطر / دری - پشتو / ۸ مه ۱۹۶۸ / - / ضد چپ. جایگزین پیام امروز. اپوزیسیون معتدل دولت. برخی از افغانها آن را فرصت طلبی خوانند. دارای چاپخانه خصوصی.
 ○ کمک (هفتگی) / محمدیعقوب کمک / محمدیعقوب کمک / دری - پشتو / ۱۱ اگوست ۱۹۶۸ / ۱۱ اگوست ۱۹۶۸ / نخستین شماره توقیف شد. مخالف دولت.
 ○ کاروان* (روزنامه) / ۱ / صباح‌الدین کشکی - ۲ / عبدالحق واله / دری - پشتو / ۲۴ سپتامبر ۱۹۶۸ / - / روزنامه مستقل؛ برخی از افغانها آن را طرفدار دستگاه حاکم می‌دانند.
 ○ خیبر (هفتگی) / محب‌الرحمان هوسا / محب‌الرحمان هوسا / پشتو - دری / ۱۰ اکتبر ۱۹۶۸ / ۲۹ اکتبر ۱۹۶۹ / هوسا در انتخابات پارلمان شکست خورد؛ نشریه را داوطلبانه تعطیل کرد؛ دوباره در ۱ نوامبر ۱۹۷۱ منتشر نمود. طرفدار «پشتونستان» است و از لحاظ مذهبی،



باز آید بیشتر

محافظة کار.

○ گهیب* (هفتگی) / مناج‌الدین گهیب / ۱ / مناج‌الدین گهیب - ۲ - عبدالسالم قرقانی / دری - پشتو / ۱۳ اکتبر ۱۹۶۸ / ضد چپ؛ اسلامگرا (محافظة کار). دو گروه مذهبی محافظة کار عبارتند از: اخوان المسلمین (جوانان مسلمان) و جمعیت اسلامی (حزب مسلم یا اسلامی).
 ○ پروانه (هفتگی) / امان‌الله پروانه / امان‌الله پروانه / دری - پشتو / ۱۱ دسامبر ۱۹۶۸ / ۲۰ ژانویه ۱۹۶۹ / مخالف دولت؛ برخی به فرصت طلبی متهم کرده‌اند.
 ○ هدف (هفتگی) / غلام‌محمد ارمول / محمد رحیم مهربان / دری - پشتو / ۱۱ دسامبر ۱۹۶۸ / ۱۳ اگوست ۱۹۶۹ / ضد میوندوال؛ بعد از انتخابات ۱۹۶۹ تعطیل شد.
 ○ جبهه ملی (هفتگی) / عبدالرب اخلاق / عبدالرب اخلاق / دری - پشتو / ۳۰ دسامبر ۱۹۶۸ / ۱۵ جون ۱۹۶۹ / طرفدار دستگاه حاکم؛ به خاطر مشکلات مالی برپه‌شده شد.
 ○ پیکتیکه* (هفتگی) / شاه زمان و ربیع استانی‌زی / شاه زمان و ربیع استانی‌زی / دری - پشتو / ۱۰ مارس ۱۹۶۹ / از لحاظ ایدئولوژی به افغان ملت نزدیک، اما جهت‌گیری بیشتر به سوی دستگاه حاکم.
 ○ سپیده دم (هفتگی) / سیدمحمد بامداد / ۱ / عبدالشیر کبیر - ۲ - محمود قارانی / دری - پشتو / ۱۲ مارس ۱۹۶۹ / نشریه ادبی؛ تعطیلی به خاطر مشکلات مالی.
 ○ افغان ولس (هفتگی) / ستاور قیام‌الدین خادم / ۱ / مسافر صادق - ۲ / ۱. ق. / اورزی / پشتو / ۳۰ جولای ۱۹۶۹ / ۱۰ سپتامبر / طرفدار «پشتونستان»؛ تعطیلی به دلایل مالی.
 ○ اتحاد ملی* (هفتگی) / عبدالحکیم مزده / عبدالحکیم مزده - عبدالحق نصیری / دری - پشتو / ۱۹ جولای ۱۹۶۹ / ارگان حزب وحدت ملی (دو دسته سیاسی) سمت‌گیری به سوی دستگاه حاکم.
 ○ روزگار* (هفتگی) / یوسف فرند / یوسف فرند / دری - پشتو / ۲۸ اکتبر ۱۹۶۹ / - / نشریه مستقل؛ حامی کلی روند مشروطیت
 ○ افغان* (هفتگی) / محمدحسن ولسل / محمدحسن ولسل / دری - پشتو / ۶ سپتامبر ۱۹۷۱ / - / با گرایش دموکراسی پارلمانی؛ طرفدار «پشتونستان»
 ○ ندای حق (هفتگی) / مولوی عبدالستار صدیقی / غلام‌نبی زرمتمی / دری - پشتو / ۱۵ سپتامبر ۱۹۷۱ / ۱۸ ژانویه ۱۹۷۲ / دارای گرایش مذهبی؛ تعطیلی به خاطر مشکلات مالی.
 ○ ملت (هفتگی) / قدامحمد فدایی / حبیب‌الله رفیع / پشتو - دری / ۲۶ سپتامبر ۱۹۷۱ / ۱۰ ژانویه ۱۹۷۲ / ارگان گروه چپ‌گرایانه که از جمعیت سوسیال دموکرات افغان (افغان ملت) برید؛ هم نشریه ملت و

هم افغان ملت (۶ فوریه ۱۹۷۲) به دلیل حمله بر سیاستهای دولت نسبت به «پشتونستان» توسط دولت توقیف شد.

○ افکار نو (هفتگی) / نور‌الله نورزاد / ضیاء حیدر / دری - پشتو / ۳۰ اکتبر ۱۹۷۱ / ۱ نوامبر ۱۹۷۱ / حمایت از آرمانهای طبقه متوسط؛ ایجاد حکومتی مبتنی بر اسلام، قانون و نظم؛ انتشار افکار نو پس از مرگ نادر، نورزاد، متوقف شد.
 ○ پیکار* (هفتگی) / غلام‌محمد الماسکا / غلام‌محمد الماسکا / دری - پشتو / ۱۵ دسامبر ۱۹۷۱ / - / جایگزین نشریه افکار نو شد، پس از مرگ نادرش.
 ○ شوخک (هفتگی) / عبدالغفار گداز (دوپری: Andaz) / عزیز مختار / دری - پشتو / ۱۶ دسامبر ۱۹۷۱ / ۸ ژانویه ۱۹۷۲ / نشریه مستقل فکاهی و طنزآمیز؛ توقیف توسط دولت به دلیل نداشتن سلوک ادب‌آمیز.

نشریه خلق اعلام کرده بود که سیاستش تخفیف «زنج‌های بی‌پایان مردم مظلوم افغانستان» می‌باشد. عبارت دیگری، این سیاست را به کمونیسم بین‌الملل پیوند می‌دهد: «مسأله اصلی دوران معاصر و محور مبارزه طبقاتی در پهنه گیتی، که با انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر شروع شد، مبارزه بین سوسیالیسم بین‌الملل با امپریالیسم بین‌الملل است.» خلق از لحاظ سیاسی، از مقایسه تمامیت ارضی، استقلال سیاسی و تمرکز تمام قدرت داخلی در دستان «مردم» حمایت می‌کند؛ از لحاظ اقتصادی، بخش عمومی را بر بخش خصوصی ترجیح می‌دهد و خواهان اصلاحات ارضی برای رهاپندیدن دهقانان افغانستان از «نظام فئودالی مسلط بر جامعه افغان» است؛ از نظر اجتماعی، بهبودی در شرایط کار و «برابری اجتماعی» را خواستار می‌شود؛ در بعد فرهنگی، صاحب امتیاز و مدیر مسؤول از آموزش همگانی و واقع‌گرایی اجتماعی در هنر دفاع می‌کنند.

نخستین چاپ دو شماره‌ای نشریه خلق [شماره ۱ و ۲] در یک مجلد چاپ شده بود؛ یا قیمت ۲ افغانی، ۲۰۰۰۰ نسخه به فروش رفت. شماره‌های بعدی ۱۰۰۰۰ نسخه به فروش رسید. چاپخانه دولتی، این نشریه را هر دو هفته چاپ می‌کرد و دانش‌آموزان دبیرستانی و دانشجویان، آن را در خیابان‌ها می‌فروختند. مخالفت و اعتراض در برابر خلق از محافل بسیاری برخاست، مخصوصاً از میان رهبران مذهبی محافظة کار در مشرانو جرگه، که ۲۰ تن آنان خواستار رسیدگی به نشریه شدند و در ۴ مه ۱۹۶۶، ولسی جرگه، وزرای اطلاعات و کلتور و عدلیه را برای بحث پیرامون مسأله فراخواندند. این مخالفت، گردانندگان خلق را که مسابقه بازی با کلمات و معنانشناختی این مخالفان را به نمایش گذاشتند، شاد کرد. اتهام ضدیت با اسلام، سلطنت و قانون اساسی را





طی یک رساله چنین پاسخ داد که موضع نشریه، مخالفت با مبانی اسلام با حقوق مندرج در قانون اساسی نیست و همچنین خلق ضرورت سلطنت را در صحنه توسعه افغانستان تأیید می‌کند. در همان حال، ایستادگی خلق بر اصلاحات ارضی و مالکیت عمومی، دو حدود وسیعی آن را بر ضد اسلام نگه می‌داشت. اداره کل خارتوانی به استناد ماده اول قانون مطبوعات، انتشار خلق را در تاریخ ۲۳ مه متوقف کرد. از ترجمه برخی از مواد قانون مطبوعات خودداری شد. (برگرداننده) گردانندگان نشریه با غیرعادلانه خواندن این عمل به دلیل زیر گذاشتن قانون مطبوعات، اعتراض کردند، اما خلق دوباره منتشر نشد. حق انتشار نشریه بدون این که حتی یک روز هم دادگاهی شود، اما گردانندگان آن، اکنون در چشم بسیاری از افغان‌های باسواد، بسان فداییان (قربانیان) دیده می‌شوند.

دو نظریه که هیچ یک از آن‌ها توسط مدارک ثابت‌کننده پشتیبانی نمی‌شوند، درباره پیوند ممکن بین تظاهرات سوم عقرب و خلق در کابل بخش شد: یکی این که خلق و تظاهرات تحت نفوذ حزب توده صورت گرفته‌اند. نظریه دیگر چنین می‌رساند که روس‌ها از این که بدون نفوذ نماینده شوند، ناراضی بودند و تصمیم می‌گیرند که از طریق این دو خادمه چنین تصویر کنند که اگر افغان‌ها بخواهند سیاست عدم تعهد خود را رها سازند، آن‌ها می‌توانند اختلافات قابل توجهی ایجاد کنند.

علی‌رغم این که حوادث چگونگی و تحت چه نفوذ واقع شده، افغان‌ها باید برای رشد اپوزیسیون قانونی دولت آماده شوند؛ زیرا باسواد گسترش می‌یابد و خلق (مردم، نه نشریه) به ورای هندوکش و معبر خیبر برای دسترسی به الهامات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی چشم می‌دوزند.

دقیقاً یک ماه پس از انتشار نشریه خلق، هفتنامه «مردم» در ۱۱ مه ۱۹۶۶ در صحنه ظاهر شد تا آشکارا مخالفت و رقابت با خلق را به عهده بگیرد. این نشریه به صاحب‌امتیاز سیدمقدس نگاه و مدیرمسئولی غلام‌محمد الدین نقویضیکه هر دو افراد مورد احترام، طرفدار قانون و سلطنت بودند. مخالف فساد، طرفدار اصلاحات ارضی و ناسیونالیسم و مخالف سرگونه نفوذ خارجی در امور دولت افغانستان بود. صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول بر عدالت اجتماعی در افغانستان تأکید می‌کردند، اما مخالف به‌کارگیری «نبرد طبقاتی» به عنوان یک اسلحه بودند. مردم، بسومی‌گری و راه‌حل‌های تدریجی «برای مسایل و مشکلات بومی را سفارش می‌نمود. نشریه مخالف تبلیغ و معرفی ایدیولوژی‌های خارجی بود و کاربست بین‌المللی اصول «انقلاب اکثریت» را رد می‌کرد. به عنوان پادزهر «خلق»، «مردم» خوش‌دریافت‌تر و قابل‌پذیرش‌تر بود (عنوان نشریه به رنگ سبز بود، رنگ مطلوب مسلمانان). بسیاری از افغان‌ها امیدوار بودند که نشریه، طرح‌های

معینی را همراه با سیاست‌های کلی توسعه دهد، لیکن آن‌ها ناامید شدند. دژمین نشریه‌ای که تحت قانون جدید مطبوعات منتشر شد، هفته‌نامه فارسی‌زبان پیام امروز بود (نخستین شماره در ۹ فوریه ۱۹۶۶ بیرون آمد) که به سرنوشته نشریه خلق دچار شد. غلام‌محمدی خاطر صاحب‌امتیاز، مدیرمسئولی نخستین شماره‌ها را خود به‌عهده داشت، اما بعدتر عبدالرزاق ترکمنی را به عنوان مدیرمسئول استخدام کرد. پیام امروز به فساد، به‌ویژه در میان اعضای کابینه یوسف، حمله کرد. ترکمنی که یک هزاره بود، همچنین خواستار توجه بیشتر به حقوق اقلیت‌ها شد. حکومت در ۲۵ مه به‌پناه این که پیام امروز مدیرمسئول مورد انتظار قانون مطبوعات را ندارد، نشریه را تعطیل کرد، اما حملات نشریه بر شخص نخست‌وزیر میوندوال و سیاست‌هایش، ممکن است برخی از دلایل این حرکت به حساب آید. ترکمنی از چند روز قبل از تعطیلی، از مدیرمسئولی کناره‌گیری کرد، اما منابع موثق می‌گویند که مأموران ویژه دولت به خاطر گفته بودند که نشریه را تعطیل کند و او ترکمنی را برکنار کرده بود تا آبروی خود را حفظ کرده باشد.

بسیاری از «افغان‌های مدرن» قبلاً افعال اداره کل خارتوانی را مخصوصاً در ارتباط با نشریه خلق تأیید می‌کنند. آن‌ها می‌گویند: «مردم» در روستاها باورهای دارند که کمونیسم ارائه شده از سوی خلق، آنان را متشوش و نسبت به دموکراسی جدی بدبین می‌سازد. مسلماً چنین دلایلی در جاهای دیگر آسیا درست از آب درنیامده‌اند، زیرا دهقانان کم‌زمین آسیایی که مالک یا اجاره‌دار هستند، نیروی محافظه‌کاری را تشکیل می‌دهند که در برابر تغییرات از ناحیه راست و چپ، مقاومت می‌کنند.

به نظر من، در عین حال دولت با تصمیمی که درباره نشریه خلق گرفت، پیشینه بدی را به‌جا گذاشت. به‌علاوه، مأموران عالی‌رتبه به من گفتند که دولت افغانستان تمام چیزگرایان افراطی را خوب می‌نماید و پرونده‌های آن‌ها را تکمیل کرده است. اگر این صحت داشته باشد، به نظر می‌رسد که در آن صورت امتیاز اندکی در راندن گروه‌های از هم پاشیده احتمالی به زیر زمین وجود داشته باشد.

گویا برای جبران تعطیلی ناگهانی و سریع نشریه چپ‌گرای خلق و بستن پیام امروز به علت جنبه فنی، دولت مجوز انتشار نشریه‌ای عمده و مخالف را صادر کرد که تماماً در چاپخانه دولتی چاپ می‌شدند. هرچند بیشتر نشریات ضد دولتی، کمی از آن‌ها واقعاً ضدشورا می‌باشند.

با توجه به استانداردهای نشریات دولتی، امید می‌رود که مطبوعات آزاد، باقی بمانند، زیرا گرچه آن‌ها در حد و اندازه روزنامه نیستند تا پیش از آید پیشه خیر کنند و برای صفحه سرمقاله، سرفصل، سوبیل، دو و پنج آن‌ها از ابتدا تا پایان رساله سیاسی هستند. تا زمانی که مطبوعات دولتی می‌باشند پوشش خبری کامل، نه‌گزیده، به‌دهند آن‌ها یک وزنه تعادل بسیار خوب



در قبال روزنامه‌های دولتی ارائه می‌کنند. احتمالاً مؤثرترین نشریات جدید عبارتند از افغان ملت، مساوات، پرچم و شعله جاوید. پرچم چپ‌گرا است، اما بیشتر خوانوان دگرگونی تدریجی می‌باشد تا انقلابی. رقب پرچم، شعله جاوید بیشتر مائویست و انقلابی است.

افغان ملت، قدیمی‌ترین نشریه غیردولتی، به طور هفتگی از ۵ آوریل ۱۹۶۶ منتشر می‌گردد، به استثنای ۹ ماه از ۲ مه ۱۹۶۷ تا ۲۰ فوریه ۱۹۶۸ که مجبور به تعطیلی شد. سیاست‌های این نشریه به عنوان ضدامپریالیسم جدید (ضد سرمایه‌گذاری خارجی، سرمایه‌داری که «جامعه را مسموم و خفه می‌سازد») قابل توصیف می‌باشد. مخالف نفوذ خارجی (نشریه به دامن‌های کوتاه، سپاه صلح آلمانی و امریکایی، هرگونه نفوذ تکنیسین‌های خارجی، نفوذ انگلیسی، نوشابه‌های الکلی، فروش کالاهای دست‌دوم امریکایی و اروپایی در بازار و... حمله کرد) و طرفدار «پشتونستان» بود. افغان ملت بیشتر از هر صدای دیگری به افغانستان کبیره قرا می‌خواند، افغانستانی که براساس نقشه ناستوار چاپ شده در نشریه، بخش اعظم امپراطوری احمدشاه دانی در قرن ۱۸ را در بر می‌گیرد. نشریه جسورانه اعلام می‌دارد: «ما خواستار کشور متحد، آزاد و دموکراتیک هستیم و ما می‌خواهیم افغانستان کبیر تشکیل شود»

صاحب امتیاز و مدیر مسؤول نشریه از «سوسیالیسم دموکراتیک ملّی» به عنوان شیوه زندگی خود یاد می‌کردند و از آن برمی‌آید که انجیر غلام محمد فرهاد (مشهور به پاپ‌غلام) صاحب امتیاز، می‌گردد تا ردای رهبر سالخورده پشتون‌ها، خان عبدالغفارخان را بر تن کند. افغان‌ملت، سوسیالیسم دموکراتیک ملی را با عنوان سلطنت مشروطه با افغانستان بزرگتر (مثلی است که آب را با عصا نمی‌توان تقسیم کرد) جامعه دموکراتیک، عدم ارتش، زمین برای بی‌زمین، منع واردات کالاهای لوکس، رد کمک‌های خارجی که قدرت بازپرداخت آن نیست و با ضرورت ندارد، درآمد مالیاتی مترقی، بازسازی زبان پشتو به عنوان یک زبان شناخته شده و «پشتونستان» آزاد تعریف می‌کند. (افغان ملت، ۲۷ دسامبر ۱۹۶۶).

افغان ملت آگهی‌ها را می‌پذیرفت، هرچند با سر و صدا بیان می‌کرد که آگهی‌های محصولات محلی را ترجیح می‌دهد و چنین دلایلی را برای حمله به فیلم‌های غربی دوبله‌شده در ایران قبول می‌کرد. نامه‌ای به مدیر مسؤول در ۱۱ اکتبر ۱۹۶۶، مسأله را به طور مختصر و روشن بیان می‌کند: «چرا آن‌ها انگلیسی را رها کنند؟ چه کسی در کابل، فارسی

تهرانی می‌فهمد؟» (به عنوان یک حقیقت، دانشجویان افغانی هنگام دیدار از تهران گهگاهی از صحبت به زبان فارسی امتناع می‌کنند، زیرا ایرانیان با تحقیر لهجه‌شان، آن‌ها را دست می‌اندازند. در عین حال، فارسی دری حتی الامکان فارسی خالص تری است. آن‌ها تقریباً در چنین شرایطی ترجیح می‌دهند تا به زبان انگلیسی یا فرانسوی صحبت کنند.)

افغان ملت، بالاخره دلایل مهم تری می‌آورد. نشریه به فساد دولت و با بیشتر به رنج و زحمت کارمندان حمله می‌کند و غالباً تک‌تک نام می‌برد. اما با نشر مقاله «چگونه CIA دانشجویان را به خائنین تبدیل می‌سازد» (که ادعای ارتباط مأموران عالی‌رتبه دولتی با CIA را بیان می‌کرد) در شماره آوریل ۱۹۶۷ مجله رامسپارتس پناها غلام واقعاً به زحمت جدی افتاد. مقاله پیشین در افغان ملت در تاریخ ۲۵ آوریل ۱۹۶۷ با عنوان «آیا مأموران دولتی ما جاسوس هستند؟» چاپ شد و نتیجه آن توقیف نشریه طی ۹ ماه بعدی بود.

کسی از امریکاییان از خواندن ادعای عبداللطیف هوتکی در رامسپارتس نراساحت نشدند. تقریباً همه شیفته و مجذوب راهبیمایی مؤسسات، دانشگاه‌ها، اتحادیه‌ها، نشریات و افراد گردیدند، چه تا آن تاریخ همه می‌پنداشتند که (سوار فوق) حرمت زیادی دارند، اما اکنون افشا گردید که صمیمانه و عالمانه در ارتباط با سازمان مرکزی جاسوسی هستند. در افغانستان حکومت

نخست‌وزیر میوندوال متزلزل گردید، اما سرانجام برپا باقی ماند. به علاوه، افشای این (مطلب) که بنیادهای چندی (مثل بنیاد آسیا و دوستان امریکایی خاورمیانه) که اتحادیه دانشجویان افغانستان (A.S.A) در ایالات متحده را کمک کرده‌اند، وجوهی را از سیا دریافت داشته‌اند، باعث شد که A.S.A روابط خود را با این سازمان‌ها طی نامه‌هایی که الگوهای از آداب‌دانی در چنین شرایطی هستند، قطع کند. (68, 14) - Dupree, Aufs Reports, LD

به خاطر این، برای اتحادیه دانشجویان افغانستان مشکلاتی پدید آمد که با تعهدات مالی‌اش مصادف شد. این امر، عرصه کارهای آن را کاهش داد، اما به تدریج با حمایت فردی افغان‌ها و امریکاییان و انجمن آسیا که به انتشار نشریه مختصر «اخبار محصلین افغانستان» کمک کرد، دوباره گسترش یافت.

انهاات هوتکی با دو نوع واکنش در افغانستان روبه‌رو شد. موضع کارمندان با سرمقاله روزنامه دولتی انیس در تاریخ ۲۲ آوریل ۱۹۶۷ تحت عنوان «لطیف و دانستان سیاهش» مشخص می‌شود: «... مجله غیرمعمول رامسپارتس... گزارش‌های را به منظور فروش



افغان ملت آگهی‌ها را می‌پذیرفت، هرچند با سر و صدا بیان می‌کرد که آگهی‌های محصولات محلی را ترجیح می‌دهد و چنین دلایلی را برای حمله به فیلم‌های غربی دوبله‌شده در ایران قبول می‌کرد. نامه‌ای به مدیر مسؤول در ۱۱ اکتبر ۱۹۶۶، مسأله را به طور مختصر و روشن بیان می‌کند: «چرا آن‌ها انگلیسی را رها کنند؟ چه کسی در کابل، فارسی

ندای صلح

فراخنده

فراخنده

فراخنده



تبلیغات منتشر کرده است که بر مورد و غیرقابل قبول هستند... آنها به سخنان فردی مثل عبداللطیف استشهد می‌کنند که فردی است ضعیف‌الوجدان و کسی که خانواده‌اش را در راه اهداف خودخواهانه خویش قربانی کرده است و تصمیم دارد زیر پرچم بیگانه زندگی کند... مردم ما اظهارات فرد پشت کرده به سبب و توکر منافع پنهانی سلطه‌طلبان را نمی‌پذیرند و اجازه نمی‌دهند که انتشار چنین اظهاراتی در ایجاد روحیه بلغماتی و بی‌اعتمادی در دوایز آگاهی‌بخش و رو به پیشرفت ما توفیق یابند.

طبیعتاً تضییع و برداشته‌های گوناگونی از این حادثه در بازار رواج خواهد یافت و عملاً زود یا دیر همه کسانی که از امریکا دیدار کرده‌اند، عامل دنیا نامیده خواهند شد. مطبوعات پاکستانی و بری‌بی‌سی که غالباً طوطی‌وار نظر پاکستان را در سبزه‌روایب افغانستان - پاکستان تکرار می‌کند - با گزارش این شواهد، بدون هرگونه ملاحظه، اسامی افراد را به شمول تعدادی از اعضای کابینه و دیگر مأموران عالی‌رتبه، ذکر کردند. نخست‌وزیر میوندوال با تهدید جدی از بالا روبرو شد. او همراه با کابینه‌اش، با استدلال استیضاح در ولسی جرگه مواجه گردید، اما وی نیا کارنامه سیاسی روشنی - تا آن جا که در چنین شرایطی ممکن است - ظاهر گردید. با وجود این، استعفا وی پس از این قضیه، ممکن است ارتباط اندکی با حادثه پیدا داشته باشد، زیرا او اصلاً بیمار بود. اما شبح

از موقعیتش به عنوان نخست‌وزیر در زمان تشکیل P.D.P. متهم می‌کنند. به گفته منابع متعددی، میوندوال تلاش کرد که «کیش شخصیتی» در پیرامون خود ایجاد کند، اما او حیثیت مفروض پیروانش را در این برداشت مسؤول می‌داند. افغان ملت جلسهای را شرح می‌دهد که در وزارت اطلاعات و کلتور برگزار شده و در آن از تمام کارمندان دعوت‌شده خواسته می‌شود که میوندوال را به سبب جلسات و مراسم ستایش رئیس مائو در چین، یا مانند ضیافت‌های سیاسی قدرشناسی در امریکا مورد ستایش قرار دهند. مخالفان میوندوال می‌گویند که برخی از مأموران که از شرکت امتناع ورزیدند، متعاقباً توسط اعضای P.D.P. جایگزین شدند، در حالی که طرفدارانش اصرار دارند که این شوع «سیستم فساد و ارتشا در دستگاه دولتی» یک اقدام متداول و معمول در جوامع دموکراتیک، به ویژه در ایالات متحده است. تعدادی از وزرای پیشین در کابینه میوندوال و قبل از آن، با P.D.P. و «سیستم فساد و ارتشا در دستگاه دولتی» هر دو مخالفت کردند و بدین دلیل (یا چنان‌که آنها می‌گویند) یا کابینه را ترک کردند و یا درخواست خدمت در کابینه را رد کردند.

علی‌رغم این اتهامات و ادعاها، بسیاری از افغان‌ها در درون و بیرون از حکومت، هنوز برای آقای میوندوال ارجمند و احترام زیادی قائلند. برنامه وی، کلاً همان برنامه‌ای است که او دنباله‌اش را گرفت، اما در اداره کشور

نویید باغچه‌ها را زین افغان

امام مطفه، نو

ندای صلح

دژ نوری

آنچه که اتفاق افتاد، بر بسیاری از رهبران تحصیل‌کرده امریکا، در کشورهای در حال توسعه، جنگ انداخت. پس از استعفا میوندوال، پاپاغلام اجازه یافت انتشار افغان ملت را از سر بگیرد، ملی‌سازی شرکت برق توسط میوندوال که پاپاغلام رئیس آن بود، دست‌کم بعضی از حملات ضد میوندوال در افغان ملت را توضیح می‌دهد. علی‌رغم فسادپذیری شخص پاپا غلام، بر اساس گزارشات، وی در دادن مشاغل، پارتی‌بازی نشان داده بود. به گفته بسیاری از منابع، سرانجام او خود را در محاصره کانسلیسان و مفت‌خوران عاقبت‌طلب یافت. با وجود خواست عمومی، شرکت برق هیچ وقت کتاب‌های خود را برای دولت یا مردم نگشود، تا این که ملی‌سازی میوندوال سامان داده شد. پاپاغلام هرگز نخست‌وزیر سابق را فراموش نکرده است و او غالباً افغان ملت را به عنوان یک چماق به کار می‌برد. مثلاً فدامحمد فدایی در ستون همیشگی خود به حزب دموکراتیک مترقی میوندوال (P.D.P.) با عنوان «دیکتاتوری جمعی» حمله کرده است (افغان ملت، ۲۷ فوریه ۱۹۶۷).

افراد زیادی در داخل و خارج حکومت، میوندوال را به سوء استفاده

از رویای شاه یعنی سلطنت مشروطه موفقیت‌آمیز طبق قانون اساسی ۱۹۶۴ حمایت می‌کرد. (رای متن کامل مرانامه P.D.P. نگاه کنید) آندیشمه سالنامه کابل، تابم، ۱۹۶۷).

به منظور تبلیغ و ترویج P.D.P. میوندوال با گروهی از حامیانش در آوریل ۱۹۶۷ هفتنامه مساوات را بنیاد نهاد. در دسامبر ۱۹۶۷ انتشار نشریه بر اثر فشار حکومت پس از استعفا میوندوال برای چند ماه متوقف شد؛ اما هر آوریل ۱۹۶۸ دوباره منتشر شد و پس از آن به عنوان ارگان حزب به کار ادامه داد.

همچنین دو نشریه چاپ‌گرای عمده، که قبلاً بیان شده‌اند، تقریباً در همین زمان شروع به انتشار کردند: پرچم در ۱۴ مارس ۱۹۶۸ و شعله جاوید در ۴ آوریل ۱۹۶۸. نویسندگان پرچم، سوسیالیست‌هایی مثل ببرک کارمل و دکتر اناهیتا، وکیل زن پارلمان از کابل را شامل می‌شدند که در مجلس دواوهم خدمت می‌کردند. به نظر می‌رسد پس از درگیری در ولسی جرگه در دسامبر ۱۹۶۶ که ببرک و همسایر بیمارستان گردید و دکتر اناهیتا در یک وضعیت دشوار قرار گرفت، آرایش آن‌دو به طور محسوسی به هم خورده‌است. در کاریکاتوری در افغان ملت در ۲۶

کلیتاً خفا و قفا تصویر فریاد بی‌سوادگان

دسامبر ۱۹۶۶، اناهیتا به شکل واژگونه به تصویر کشیده شده بود و توسط سایر نمایندگان لت می‌شد. ران‌های او آشکارا در تصویر نمایانده شده است (پاپا غلام غالباً به دامن کوتاه و سایر لباس‌های زننده غریبی حمله می‌کند) و عنوان تصویر لیا ایرادگیرا می‌گوید: «این است شرط داد. او درخشش زیادی در خلق و اجرای ستارو داشت و هنگامی که طرفدارانش در بیرون بیمارستان دست به تظاهرات زدند، او با پیچیدن باند‌های بیشتری به سرش برای تحریک مردم به هیجان آمده، توتلوخوران حاضر شد.

اما به طور معمول، ببرک و پرچم هماهنگی خود را با این برداشت که هیافت دگرگونی تدریجی ملائم‌تر برای دستیابی به سوسیالیسم، بر براندازی خشونت‌آمیز برتری دارد، نشان دادند. پرچم معتقد است که تمام اقشار مردم افغانستان می‌توانند در شکست «فیودالیسم و امپریالیسم» سهم بگیرند و ایجاد یک «جبهه متحد دموکراتیک» را به منظور خلق دگرگونی، منتهی در چهارچوب نظام مشروطه به جلو اندازند. مدیران مسؤول پرچم مردم را به وطن‌پرستی و «یک نوع احساس انسانیت» نسبت به تمام دنیای بیرونی (خارج) فرا می‌خواندند و نشریه به طور پایداری، شعارهایی مثل «مردم بیدارند»، «سال جدید آغاز می‌شود، سال جدیدی برای مبارزه مقدس» و «زنده باد تعالی و نهضت زنان زحمتکش کشور محبوب ما» را به کار می‌گرفتند.

پرچم با این رویکردش از سوی شعله جاوید به «تجدیدنظرطلبی» متهم شد و در ۱۳ می ۱۹۶۸ در واپسین شماره نشریه، مدیر مسؤول نوشت: «پرچم بر از تبلیغات دروغ است و تا گلو در باتلاق کثیف تجدیدنظرطلبی فرو رفته است». افغان‌ها پرچم طرفدار دگرگونی تدریجی را چپ و شعله جاوید انقلابی را چپ چپ می‌خوانند. در واقع به نظر می‌رسد که گروه شعله جاوید موقعیت «کمونیست‌های سیاسی» را گرفتند، در حالی که طرفداران ببرک کارمل و دکتر اناهیتا و میرمحمد صدیق فرهنگ (یک لیبرال برجسته) ممکن است خود را با ناراحتی اشغال کنند. چنین موقعیتی در نزدیک مرکز بیابند، یعنی موقعیت سوسیالیست‌های اقتصادی (در تعریف من)، که آرزو دارند باعث ایجاد دگرگونی در داخل سیستم موجود شوند.

قبل از تعطیلی، (حتی‌الامکان بدون توجیه مناسب) شعله جاوید نه تنها به گروه‌های نیمه‌زادگرای طرفدار افغانستان، پشتونستان بزرگتر و ایده‌های نشریه افغان ملت پاپاغلام و «تجدیدنظرطلبان» تکامل‌گرا، بلکه

همچنین به شاه و مشاوران نزدیکش حمله می‌کرد. بدون شک، این دلیل واقعی تعطیلی نشریه است. شعله جاوید توسط دکتر رحیم محمودی و دکتر هادی محمودی برادر و برادرزاده دکتر عبدالرحمان محمودی (رهبر معروف جنبش «پارلمان آزاده» از ۱۹۴۹ تا ۱۹۵۲ که در می ۱۹۵۲ زندانی شد و چند ماه پس از آزادی درگذشت) منتشر شد. نزدیک به یک ماه پس از تعطیلی نشریه، دولت هر دو محمودی را در نیمه جون ۱۹۶۸ طی اعتصاب کارگران جنگلک دستگیر کرد.

برخی اظهارات شعله جاوید مثل «طبقه حاکمی که مردم ما را استثمار می‌کند، هیچ‌گاه نمی‌تواند ملت دیگری (یعنی پشتونستان) را آزاد کند»، مسلماً سوهطن قبلی خانواده محمودی به دستگاه حاکم افغان را تبدیل به حسن‌ظن نمی‌کند. نشریه به «امپریالیست‌ها» (امریکیان) و «مرنجهان» (روسی‌ها) هر دو حمله می‌کند و با حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش در سراسر جهان، ضمناً می‌فهماند که در داخل افغانستان از آن‌ها حمایت می‌شود. «همزبستی صلح‌آمیز» محکوم است و حتی چهره‌هایی مثل ناصر در مصر، نه‌در هند و نیوین در برمه به عنوان «کاپیتالیست‌های بورژوازی» که زیر نام سوسیالیست نقش بازی می‌کنند» توصیف می‌شوند (شعله جاوید، ۹ می ۱۹۶۸).

البته ایالات متحده از شعله جاوید آتش ویژه‌ای را ترسیم کرد. هرچند جنگ ویتنام توسط اقشار مختلف امریکا حمایت نمی‌شود و شکاف غیرقابل‌انکاری پدید می‌آید، آمار زیر که از شعله جاوید نقل می‌شود، توسط اکثر امریکیان مخالف جنگ پذیرفته نمی‌شوند: «طی ۷ سال جنگ جبهه آزادی‌بخش ملی، یک‌ونیم میلیون نفر از دشمن را به شمول ۳۰۰۰۰۰ امریکایی، ۸۵۶۰ هواپیما، ۱۵۸۳۰ زره‌پوش و ۴۶۳ کشتی جنگی» از بین برد. مجروحین ویتنامی و امریکایی بدون توشل به چنین اغراق‌هایی به حد بالای رسیده‌اند.

یکی از حملات کینه‌توزانه خاص به امریکیان در شماره ۶ ژون ۱۹۶۸ به وقوع پیوست. نکات اصلی عبارتند از «امپریالیسم سرمایه‌داری» که زمانی به وقوع پیوست که شرکت‌های امریکایی کشورهای در حال توسعه را به‌مان ملک شخصی خود درآوردند (مثلاً کتپانی یونانید قروت، کمپانی‌های نفت و اتحادیه‌های امریکایی شکر قبل از کاسترو)، «امپریالیسم بازار و قیمت» زمانی به وقوع پیوست که امریکیان مراد خام را با قیمت ارزان به دست می‌آوردند و سپس محصول نهایی را با قیمت بالا به دنیای در حال توسعه می‌فروختند، و «امپریالیسم وام» زمانی رخ داد که ایالات متحده مبالغ کلانی را به دیگر کشورها وام داد و سپس آن‌ها را با کارشناسان کشاورزی، آموزشی و





سپاهیان صلح که حقوق‌های زیادی را دریافت می‌داشتند، همراه کرده. همچنین به گفته شعله جاوید، ایالات متحده برای فروش محصولات مازد به کشورهای در حال توسعه - چه آن‌ها بخواهند یا نخواهند - برای خوشحال کردن کشاورزان امریکایی از سیاست دامپینگ استفاده می‌کند. تصویر ارائه شده از امریکا، یک تصویر مطلوب برای امریکاییان نخواهد بود، اما مهم است دانسته شود که این برداشت می‌تواند توسط بخش وسیع و قابل احترام روشنفکر دنیای در حال توسعه کنونی، درست پنداشته شود.

یک هفته‌نامه هنری و طنز به نام ترجمان نیز وجود دارد. کارتون‌های آن، نیشدار و تند هستند و در سراسر نشریه استفاده وسیعی از سخن دوپهلو که زبان فارسی در آن شهره است، انجام می‌شود. ترجمان شبیه هیچ یک از نشریات مخالفت‌آمیز و سنگین دست‌چپی و مطبوعات مفراتگری دولتی نیست. کارتون در ترجمان، با مهارت بحران و وضعیت دشوار روبرواری دولت را هنگام بستن شعله جاوید بیان می‌کند. هیچ یکی حاضر نمی‌شد گام نخست را بردارد (هر چند سرانجام وزارت اطلاعات و کلتور چنین کرد) و کارتون چهره‌های سهل‌المعرفه وزرای عدلیه و اطلاعات و کلتور را در لباس فوتبال نشان می‌داد که تویی (شعله جاوید) را به هم پاس می‌دادند. یکی به دیگری می‌گفت: شما باید گل بزینده دیگری پاسخ می‌داد: نه، شما باید گل بزینده عدم سختی چنین وضعیتی که در درون جامعه خیلی بی‌باک و مهاجم افغان وجود دارد، نشاط و خنده را برای همگان فراهم آورد و به طور دقیق و درست، مجموعه‌ای را به تصویر گرفت که دولت خود را در آن یافت.

آزادی جدید مطبوعات بهمان یک نهاد آموزشی نقش بازی کرد، در حالی که کارهای متداول دولت ادامه یافت. در این قسمت چیزهای زیادی برای آموختن وجود دارد. هیچ‌گونه قانونی در مورد برخورد با نوشته‌های مسوئن و بدنام‌کننده وجود نداشت و مطبوعات آزاد، چهره‌های مهم‌تر شناخته شده را دایماً مورد تهمت و بی‌حرمتی قرار می‌دادند. در جلسات علنی ولسی جرگه و در کمیته‌های پارلمانی، به طور روبرویی دشنام‌ها تار دیگری می‌شدند. غالباً چنین حملاتی در دولت بیکاری و سستی به دنبال داشت و هدف واقعی سخنرانی آزاد و مطبوعات آزاد را نقض می‌کرد، به ویژه از آن جا که آنها بزندگان در قبال اظهارات و خرده‌گیری‌های خود، درست یا غلط، مسؤول نبودند. این امر مانع انجام اعمال ضروری اجرایی می‌شد. بدین ترتیب، انشی‌توهای آزادی و واقعی ایجاد می‌شود.

مسؤولان سانسور در وزارت اطلاعات و کلتور گهگاهی به نشان‌دادن حساسیت بیشتر تمایل داشتند. برخی دوست داشتند که تقریباً تمام نشریات آزاد را تعطیل کنند، اما جرأت نداشتند که اولین حرکت را بدون حمایت برخی از مقامات بالاتر مثل وزیر یا کابینه انجام دهند. غالباً از ولسی جرگه تقاضا می‌شد که بر مسئله انتشار یا لغو نشریه‌ای تأثیرگذار باشد. نشریات خارجی که وارد کشور می‌شدند، گهگاهی سانسور می‌شدند، هر چند این نادر بود. سانسورهای افراطی و شدید دولت، یک مقاله تشریحی اکونومیست (۲۷ جولای تا ۲ اگوست ۱۹۶۸) را برید که در آن توجه به رکود جاری اقتصادی و اجرایی نسبتاً ضعیف جنبه قانونی در خواست شده بود و همچنین گفته بود که برخی در افغانستان پیش‌بینی می‌کنند که سلطنت ممکن است برای مدت بیشتری دوام نیاورد.

یک گروه که با مخالفت غیرمسلوانه‌اش وانمود می‌کند که هیچ جایگزین دیگری برای عمل دولت امکان ندارد، می‌تواند به‌سادگی خود به یک دیکتاتور بدل شود. بنابراین، مطبوعات غیرمسؤولی تشوین‌شده توسط یک گروه فاقد مرام در ولسی جرگه (یا نفوذ خارجی) می‌تواند به عنوان یک تهدید کامل خودنمایی کند. در واقع این وضعیت از نظر صوری ممکن است شاه را وارداد تا پارلمان را منحل و حتی الامکان قانون اساسی را ملغی کند. اگر چنین چیزی اتفاق می‌افتد، این «گارد‌های سرخ» افغانستان در لباس مصونیت پارلمانی در می‌آیند و باران مطبوعات‌شان باید به‌مساوی مسؤول عمل شاه دانسته می‌شدند. اگر تجربه حاضر افغانستان در زمینه دموکراسی شکست بخورد، احتمالاً به خاطر فقدان روح دموکراتیک در اپوزیسیون است، همچنین که به خاطر فعالیت‌های مانع‌سازنده از جناح راست.

آموزش و ارتباطات فزاینده، یگانگی افغانستان را که مورد نظر شاه و روشنفکران بود، موجب شد. سیاست‌های نژادگرایانه افغان ملت تنها یک نمونه‌است. سایر سیاست‌های نژادگرایانه، سطحی‌اند. برخی می‌گویند شمال غیر پشتون برای تشکیل واحد خودگردان جدیدی در پیش گیرد، در حالی که ناحیه جنوب تحت کنترل پشتون‌ها باقی خواهد ماند. با گسترش سواد در میان گروه‌های غیرپشتون، آن‌ها فرور و آگاهی بیشتر از زبان و الگوهای فرهنگی خویش کسب کردند و چنین احساس می‌کنند که زمانی طولانی را تحت کنترل پشتون‌ها بوده‌اند (تلقی‌ای که تا اندازهای برابر است با برداشت غیر پنجابی‌ها در پاکستان که همه چیز تحت کنترل پنجابی‌هاست). بدون شک، چنین نژادگرایی با منطقه‌گرایی امروزه در میان گروه‌های اقلیت در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه شایع و همه‌جاگیر است، یعنی مشکل نژادی در ایالات متحده و روشنگری غالباً به دنبال پاسوادی نمی‌آید.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- در میان روزنامه‌های ولایتی نشریات زیر به چشم می‌خورد: طلوع افغان (قندهار، پشتو؛ اتفاق اسلام (هرات، فارسی / پشتو؛ بیدار (نزارشرفه، فارسی / پشتو؛ اتحاد مشرقی (جلال‌آباد، پشتو؛ اتحاد بطلان (پغلا، فارسی / پشتو؛ بدخشان (لجلی‌آباد، فارسی / پشتو؛ سنایی (غزنی، فارسی / پشتو؛ پروان (چارکاره، فارسی / پشتو؛ ولسنگ (خوست، پشتو).
- نشریات ایالتی که هفته‌ای چهار مرتبه منتشر می‌شد: ستاره (ایمنه، فارسی / پشتو؛ پامیر (کابل، فارسی / پشتو؛ سیستان (فراه، فارسی / پشتو؛ هلمند (گرشکه، فارسی / پشتو؛ کردآوری به کمک عبدالرحمان جدیر، عبدالرزاق پال‌وال و محمدحسین رزی.
- ۲- زبان اصلی در آغاز آمده است.
- ۳- نشریه‌هایی که با علامت ستاره (*) مشخص شده تا زمان نشر کتاب (۱۹۷۲)، منتشر می‌شده است.
- ۴- هرچند تاکنون (زمان تألیف کتاب) منتشر می‌شوند در برخی موارد به علت داشتن مسائل ویرایشی توقیف یا مجبور به تعلیق نشر در دوره‌های زمانی کوتاه‌گون شده‌اند.
- نشریه «روز» که در حکم قبل از تعطیلی در قندهار منتشر می‌شد، سوسیالیست بود و ضد کمپنی امپین زر (شرکت انحصاری پترو در شمال افغانستان).
- همچنین دو نشریه آزاد ماهانه وجود دارند: اسلام، مجله یا گرایش مذهبی به صاحب‌امتیازی و مدیرمسئولی منتهج الدین گهچیک؛ دریا، نشریه ادبی به صاحب‌امتیازی خانم سیوژی رؤوف و مدیرمسئولی عبدالستار.
- ۵- یکی دیگر از رهبران برجسته «پارلمان» آزاده که او نیز در ۱۹۵۲ زندانی و سپس در ۱۹۶۲ آزاد شد، میرغلام محمد غبار بود و اخیراً کتابی با نام افغانستان در مسیر تاریخ منتشر کرد.



آندیشنه
نویسنده

احمد خان‌ابدالی در سال ۱۷۲۷ م بر اریکه قدرت تکیه‌زده و حکومتی نوین‌یاد و جدیدالتأسیس را بر شالوده آریایانی کهن و خراسان بزرگ بنیاد گذاشت. گرچه پایه‌های این دولت در سال ۱۷۰۸ م توسط میرویس هوتک بی‌ریزی گردیده بود، ولی احمد خان آن را استوار ساخت. قرن هیجده میلادی دوران کشورگشایی و سلطه‌جویی در تاریخ است. سلطنت احمد خان طبق مقتضیات زمانی و مکانی باید به همان منوال می‌گذشت. به این اساس، گرچه احمد خان خود شاعر و کتابخوان بود، اما مجال کمتری برای اشاعه و گسترش فرهنگ و ادب یافت و از سوی دیگر، حکومت او جوان و نوین‌یاد بود. از این رو، قبل از رسیدگی و توجه جدی به زمینه‌های فرهنگی که از غنای تاریخی و افتخارآفرین برخوردار باشد، توجه خویش را معطوف زمینه‌های اداری نمود. البته وی جهت پیشبرد امور اداری و حسابداری از تحصیل‌کردگان ایران‌زمین بهره‌مند گردید، که میرمحمدالحسینی و میر عبدالهادی لاری‌موسوی از این ردیف‌اند. میرمحمدالحسینی در همه غزوات و حادثات در رکاب احمد خان بود و هر آنچه را به وقوع می‌پیوست، به قید زمان می‌گذاشت که «تاریخ احمدشاهی» از خدمات ارزنده این نویسنده است. میر عبدالهادی موسوی‌لاری، «عشرت» تخلص می‌نمود و در وفات احمدشاه چنین نگاشته است:

از بهر وفات شاه، عشرت می‌جست

تاریخ نیکو از خرد با تأیید

از لطف به من کرد جوابی که بگو

فردوس ز مقدمش مزین گردید

عبدالله خان بیگی هم از اراکین دولت احمد خان بوده که به دردی و پشتو شعر می‌سروده است.

عصر تیمورشاه

تیمورشاه در سال ۱۷۷۳ م بعد از وفات پدر پادشاه گردید و در سال ۱۷۹۲ م درگذشت. او بر خلاف پدر شعردوست و ادب‌پرور خویش که همه توانش را صرف فتوحات و تحکیم کشوری و لشکری می‌نمود، در

نگاهی گذرا به

تاریخ مطبوعات افغانستان ۱۹۹۲-۱۷۴۷ م

□ میر محمد یعقوب مشعوف

اشاعه و تبلیغ و ترویج فرهنگ بذل مساعی نمود. او انجمن ادبی‌ای در داخل دربار با شرکت شاعران و ادیبان محیطی و محلی و ادیبای کشورهای مجاور ایران و هند ترتیب داد. در عین حال این انجمن مانند عمر شاه، زودگذر و کم‌نور بود! اوضاع و رویدادهای زمانه نیز در کوتاه کردن عمر آن اثر نهاد و لذا این انجمن هرگز نتوانست از رشد موردنظر بهره‌مند گردد، قوت گیرد، به محیط در آمیزد و به قول مرحوم میرمحمدصدیق فرهنگ: «آثاری که از این دوره داریم، جنبه تقلیدی دارد، چون نمایندگی از فرهنگ و دانش خراسان دارد و در تاریخ ادبیات

این خطه، مقام کوچک اما جایگاه شخصی دارد.» این دوره شاعران و نویسندگانی دارد که از آن جمله‌اند: میرلعل محمد عاجز، میر هوتک افغان، عایشه درانی و رضاقلی هما. تیمورشاه درانی خود نیز طبع شعر داشت. کتاب «تیمورشاه» که مشتمل بر حوادث دوران سلطنت وی است، توسط آقای عزیزالدین فوفلزایی تحریر گردیده است که اشعاری هم از تیمورشاه در آن درج است. بعد از وفات تیمورشاه، افغانستان نوین‌یاد بین پسران غیرمسؤول آن تقسیم گردید که جز ویرانی وطن، رکود اقتصادی، انحطاط فرهنگی، فترت اجتماعی و لگام‌گسیختگی فردی دیگر ارمغانی نداشت. طبیعی است که زمینه رشد و اشاعه فرهنگ در چنان شرایطی ناساعد و ناهمگون است و اگر هم اندکی در ذهن و اندیشه افراد نشأت می‌نمود، نه شکوفا می‌شد نه رشد می‌نمود. به موازات جنگ داخلی و حاکمیت سیستم فئودالی غیررهبی‌ری شده، مرکزیت اداری در کار نبوده که مدیحه‌سرایان مانند درباران قدیم خراسان مدح و توصیف پیشه‌گیرند و مورد تشویق و تقدیر قرار گیرند و رشد یابند.

زامرداری دوست محمد خان، دوره فترت فرهنگی

دوست محمد خان بعد از افشاش پنج‌ساله پسران تیمورشاه، در سال ۱۸۲۲ م حکومت نیم‌بند ملی را جایگزین حکومت‌های محلی پسران تیمورشاه ساخت و جنگ آزادیخواهانه را علیه انگلیسی‌های متجاوز رهبری کرد. او خود شخصی بی‌سواد بود، نه ذوقی در ادبیات

